

هدایت نوجوان به سوی نماز

دکتر علی قائمی



اعمال روشها

- روشهای عاطفی چون روش حب، روش رحمت، روش حث یا تحریک عواطف، روش همراهی و همگامی واحسان
- روشهای جلب چون پذیرش، احترام، تکریم و تفخیم، تقرب، التفات و لطف
- روشهای خیرخواهانه چون وصیت، نصیحت، وعظ، حکمت
- روشهای اقتاعی چون استدلال، محاجسه، مجادله، تحدی، برهان و حجت
- روشهای تبیینی چون تشریح و تحلیل، محاوره و گفت و گوی آزاد
- روشهای برانگیزاننده چون تحسین، تاءبید، تشکر و سپاس، ترغیب، تحریض، تشویق، پاداش و انعام
- روشهای امیدساز چون وعده، رجاء، بشارتها
- روشهای ترغیبی چون ذکر صالحان، داستان — گویی، بازی

در اعمال روشها برای واداشتن نوجوان به نماز از فنون و شیوههایی می توان استفاده کرد که علمای روان شناسی و تربیت بدانها تکیه کرده اند. این فنون به صورت کلی در تربیت به کار می رود در تربیت مذهبی، از جمله در واداشتن به نماز می تواند مورد استفاده قرار گیرد. در این بحث و بررسی ما را توان آن نیست که به شرح و تفصیل آن موارد بپردازیم، ولی سعی خواهیم کرد با در نظر داشتن طرز فکر اسلام در تربیت، لااقل اسمی از آنها برده باشیم. آن روشها متعدد و متنوع و اهم آنها عبارتند از:

- روشهای آگاهی بخش چون روش اعلام و اشعار، روش آیت، روش تذکر و هشدار، امر به معروف، ارشاد و ...

— برهیز ها از تمسخر، طردورد، به خود واگذاری، حيله و فریب، استبداد و خسونت
 — تکیه به آگاهی و تفهیم، ایحادایمان، تمرین و ونداوم، القای مداوم
 — مراقبت در اسوه سازی، فریضه سازی، سهل — گیری (مثل کوتاه کردن نماز، عدم تکیه — تعقیبات و...)

در طریق جلب و جذب

اینکه نوجوان را چگونه باید به مقصد مورد نظر جلب کرد، سوءالی است که پاسخی قاطع و نسخه وار ندارد. پاسخ آن بستگی دارد به آگاهی از نوع شخصیت نوجوان و درباره هر کدام از نوجوانان به یک گونه باید عمل کرد.

شخصیت نوجوان بر اساس نظر روان شناسان تربیتی از تیب های گوناگونی است مثل: شخصیت خودکار، شخصیت سازش پذیر، شخصیت بدگمان، افتاده، مبارز طلب، تعدیل نیافته، ماجراجو، مشتاق، اخلاقی و... که با هر کدام آنها به یک گونه باید برخورد داشت. اما در ارتباط با همه آنان اجرای ضوابط و اتخاذ مواضع زیر دارای نقشی سازنده و جهت دهنده است.

— قاعده: محبت و اعلام این سخن غرور آمیز که "خوشحالم از این که پسری نماز خوان چون تو دارم."

— قاعده: تشویق از طریق ذکر فضایل و پاداشهای اعمال روا و مناسب در اسلام مانند عمل نماز
 — قاعده: ستایش عمل دیگران بدون به رخ کشیدن و تحقیر نوجوان

— قاعده: روحیه دادن از طریق این نوع عبارات که: "تورا نورانی تر و شادابتر می بینم."
 — آراستن ظاهر مثل تهیه جای مناسب برای نماز

— روشهای عنایت آمیز چون مطایبه و مزاج، عبور کریمانه، تغافل، تسامح، تحامل، امهال (مهلت — دادن)

— برخورد های غیر مستقیم مثل: کنایه، تعریض، اشاره، تلویح
 — روشهای جدی در برخورد مثل: اعلام نعتب، ذم و قدح، تفتیح و تنقیح، قطع محبت، قهر،
 — روشهای اعتراضی مثل: عتاب، اعتراض، ابراز تاءسف، نهی، محروم کردن
 — روش سرزنشها و تغییر (نکوهش کردن) مثل:

ملامت، توبیخ، تحقیر عمل
 — روشهای هشدار دهنده مثل: اخطار، عتاب، افساء
 — روشهای تهدیدی مثل: ارعاب، تحذیر، تخویف
 — روشهای تنبیهی مثل: اخذ، بطش، (تندی و سختگیری)، مکافات، نکال (عقوبت)، تعزیر، رجز، خزی (رسوا شدن) و... .

اصولی در اعمال روشها

در اعمال روشهای تربیتی برای واداشتن نوجوان به نماز، اصولی باید مورد عنایت قرار گیرد که اهم آنها عبارتند از:

— رفع عوارض ذهنی، تغییر در پیکربندی ذهن، ایجاد امید در فرد برای پاکی و شایستگی
 — در نظر داشتن شرایط سن، جنس، تفاوتها، اقتضائات
 — در کیفیت اجرا، رعایت اعتدال، حکمت، مصلحت، انعطاف، تدریج
 — استمدادها از خود فرد، دوستان و معاشران، مدرسه، خانواده، مسوولان، در عین مددخواهی از خدا

و جانمازی زیبا، آراستن سرو وضع و . . .

— آسان گیری برنوجوان و مراقبت براو که خود را در عبادت خسته نکند و سطح توقع او در امر عبادت بالا نرود که خسته شدگان امروز از کثرت عبادت، تارکان صلوٰة فردای ما را تشکیل می — دهند. و در این زمینه از امام صادق (ع) سخنی آمده است: **كُنْتُ شَابًا "فَأَحْضَرْتُ فِي الْعِبَادَةِ . . ."** جوان بودم و در عبادت کوشا، همکام با پدر شب زنده داری می کردم و به نماز شب می — ایستادم. شبی پدرم به من رو کرد و فرمود: پسر — تو جوانی، بخواب، به هنگامی که خدای از جوانی راضی باشد به او همان اجر سالمندان را خواهد داد . . . ۱

البته روشهای تجسمی، تصویری، عرضیه و نمایش، و اجرای برنامه هایی از این قبیل در تلویزیون و دیگر عرصه ها خود در این زمینه نقش فوق العاده دارند و در ایجاد رغبت و جلب نوجوان مؤثرند، بویژه که بر مبنای قاعده هدایت عواطف باشند و تحریکی هم از این باب داشته باشند.

۲ — تعیین هویت: نوجوان در صدد تلاش برای یافتن و تعیین و تاءمین هویت خویش است. چون خفته ای در خود، ناگهان بیستادار می شود می خواهد بداند کیست و چیست؟ در این عرصه پنهانوار آیا مکلف است یا آزاد و رها؟ اگر والدین و مربیان هشیار باشند و به القاء و اجرای برنامه های مذهبی بپردازند، نوجوان گمشده خود را در زمینه اعتقاد مذهبی خواهد یافت و در آن صورت به اجرای تعالیم دینی از جمله نماز تن خواهد داد.

عکس قضیه هم درست است. بدین معنی که اگر نوجوان از اعتقادات خالی شود هویت خود را و در نتیجه احساس تصمیم گیری اش را از دست خواهد داد. نوجوان در طریق تعیین موقعیت و کشف خویش گاهی می خواهد در تنهایی بدون آشفته ساختن دنیای خارج فکر کند و هر فرصتی را برای تنها ماندن و خلوت کردن طبع گرامی می دارد. ^۳ و این خود زمینه ای دیگر است

برخی از والدین و مربیان، بویژه آنان که در خود نوعی خود باختگی در برابر نوجوانان احساس می کنند، از دیدن حالت عصیان، سرکشی، استقلال طلبی و کلا "نا آرامی آنها" احساس نومیدی دارند و گمانشان این است که نمی توان آنان را به راه آورد. به گمان ما هیچ گاه جای نومیدی نیست. از نظر علمی و اعتقادی زمینه های متعددی در نوجوان وجود دارد که راه را برای تربیت مذهبی و سوق دادن او به نماز و عبادت فراهم می کند و ما با استفاده از آن

برای جهت دادن او به خلوت با خدا و عبادت .
 ۳ - حسرت و جوی ماورای طبیعت : درسین
 نوجوانی آدمی را دید و بینشی خاص نسبت به
 جهان پدید می آید . در می یابد که در ورای این
 ظاهر، باطنی است، و در پس این زرق و برق
 پدیده‌ها، کارگردانی است . به ماورای طبیعت
 و به جهان خلق و امر راغب می شود و ایمن
 مساءله‌ای است که علمای غرب راهم بدان
 عنایتی است . توجه نورسته‌ها به رسول گرامی
 اسلام و کله سالمندان از پیامبر (ص) که جوانان
 ما را فاسد کرده (افسدشاننا) ، خود حکایت
 از همین زمینه دارد .

سوءالات نوجوانان را از معلم دینی در
 مدارس جویا شوید، از یزدان و مادرانی که با
 نوجوانان خود مافوسند بپرسید که بیشترین
 سوءالاتشان در چه زمینه‌هایی است؟ بی شک
 بخش مهمی از پرسش‌های آنان در ارتباط با
 ماورای طبیعت است . و اگر پاسخگوی قانع کننده و

ملا، خود اهل عبادت و نماز باشد در جان و
 دل او نفوذ می کند و او را بدان سوی می کشاند .
 ۴ - مرحله ایمان : نوجوانی دوران ایمان
 است و نوجوان در شرایطی است که باورش آمده
 جهان راصنعی باشد خدانام . علمای روان شناس
 نیز هفت سال سوم عمر وحتی قبل از آن
 را مرحله ایمان نام گذاری کرده اند . دیگر
 دانشمندانی هم که راجع به نوجوانی بررسیهایی
 کرده و نتوری‌هایی ساخته‌اند، برانگیختگی
 نوجوان را در بسیاری از موارد نشاءت گرفته از
 ایمان ذکر کرده‌اند . ۶ .

نوجوان باکسب تجارب در پی آن است که
 به مرحله باور برسد و آموخته‌های خود راقطعی
 کند و یا به گفته غربی‌ها او در پی آن است که
 ایدئولوژی قابل قبولی پیدا کند و از این طریق
 زندگی خود را با هدف و معنادار سازد، و این
 خود زمینه و سببی است که نوجوان به سوی
 عبادت و نماز روی آورد، به شرطی که شرایط



محیطی مساعد باشد.

۵ - مرحله؛ برافروختگی: نوجوان از یک دید در مرحله؛ سیاب است و سیاب که یعنی عام برای مرحله؛ نوجوانی و جوانی است در محوای لغوی خود معنی برافروختگی را دارد و این یک واقعیت برای این مرحله است. بیه کفسه صاحب نظران نوعی شور و شیفتهگی در نوجوانان به وجود می آید که سراسر وجود شان را احاطه می کند و انرژی آن به حدی است که می تواند

آوری به عبادت در نوجوان فراهم است و اگر او را بدان رغبتی نبود باید به جست و جوی علل برداخت و موانع را رفع کرد.

۶ - بیداری فطری: و این مسأله‌ای است که قبلاً "هم بدان اشارتی رفت. در دوران نوجوانی رغبت فطری در افراد بیدار شده، و آنهارا به باکی و فضیلت می خواند. نوجوان از نادرستی



مردم ناراحت است، می خواهد اخلاق و سجاای آن بر جهان حاکم باشد، خواستار معرفت الهی است و به مسائل مذهبی علاقه نشان می دهد. به گفته "موریس دبس" از حدود سنین ۱۷ - ۱۵ به ندای تقدس یا شجاعت به لزره در می آیند و آرزو می کنند جهان را از نو تشکیل دهند، بدی را محو و نابود کنند و عدالت مطلق

آنان را تجهیز کند و رفتار و کردارشان را به سوی معینی جهت دهد.^۷ حساسیتها و هیجانات شدید تحت تاءثیر محیط، نوعی شور عرفانی در نوجوانان پدید می آورد، به گونه‌ای که به تقوا و زهد روی می آورند.^۸ بدین سان زمینه برای روی

همین نظر اسوه‌های مورد ناء بید مکتب در جامعه
بیشتر باید مورد تبلیغ قرار گیرند و معرفی شوند .

۹ - بیداری حس اخلاقی : نوجوان در این
سن برای پذیرش نظم و انضباط و ورود به دنیا
که در آن با ضوابط رفتاری و عملکرد دیگران
همگام باشد ، آمادگی دارد از جنبه‌های مربوط
به اخلاق ، وفاداری ، ستایش و سپاس نوجوان
نسبت به فرد یا افرادی که برای او خدمتی انجام
داده اند ، قابل توجه است .

در این مرحله اگر بتوانیم نوجوان را متوجه
این مسأله کنیم که هستی او با همه ابعادش در
کرو عنایت خدایی است ، خداوند را به او نظر
لطف و عنایت است ، خداوند است که او را بزرگ
کرده ، رشدش داده ، انعامش نموده ، به او غذا
داده ، گرما و حرارتش بخشیده ، آب و رویش
داده و . . . بدان سوی گرایش بیدامی کند و بر
اساس اصل خود پیروی به پیش می رود . از نظر
ما بیداری اخلاق در نوجوان از بهترین و
قویترین پایگاههای تربیتی برای هدایت نسل به
عبادت است و باید برنامه تربیت را بر آن اساس
استوار ساخت .

۱۰ - زمینه‌های دیگر : علاوه بر موارد فوق
چه بسیاری زمینه‌هایی که در نوجوان وجود
دارند و مربی با استفاده از آنها می تواند
نوجوان را به سوی عبادت و نماز جهت دهد ،
مثل :

- خواستاری ارضای تمنیات معنوی و مافوق
طبیعت .

- تحقق آرزوها و خواستهایی که برآورده کردن
آنها را جزاز خدا نمی تواند توقع کند .

- خواستاری بی بردن به اسرار و حقایق جهان
آفرینش و رمز و راز آن

- میل به داشتن آرامش و سکونی که از شرایط

را حکمفرما سازند^۹ . این بیداری خود عامل سوق
دهنده فرد است به سوی مذهب . نوجوان در
جاده مذهب است ، فقط عامل روشن کننده‌ای
لازم است تا او را به حرکت وادارد و یا حرکت
و سیر او را تسریع کند .

۷ - رشد تفکر : به نظر روان شناسان از
حدود ۱۲ سالگی تفکر وارد مرحله حیات ذهنی ،
صوری (رسمی) می شود . نوعی اشتغال قبلی
نوجوان را وامی دارد که به ساده‌ترین راه برسد .
به گفته عالمی ، همان طور که بچه‌ها بزرگ می -
شوند ، افقهای روانی و فکری بتدریج توسعه
می یابند و این توسعه بویژه وقتی که وارد مرحله
بلوغ شدند ، قابل توجه است .^{۱۰}

رشد فکری با توجه به زمینه‌های دیگری که
در نوجوان دیده می شود می تواند زمینه
موجبی باشد برای هدایت او به سوی نماز و
عبادت ، و این به شرطی است که مربی آگاهی در
مسیر باشد و رشد و سیر او را زیر نظر و تحت اداره و
مراقبت گیرد .

۸ - مرحله اسوه جویی : نوجوان در این

مرحله در جست و جوی مدل و اسوه است . می خواهد
فردی را پیدا کند که از نظر صفات و ویژگیها بر طبق
مذاق او موافق بدزمنه‌های درونی او باشد و وی
را قانع و راضی سازد . و این امر بدان خاطر است
که نوجوان خود را در خور ورود به عرصه حیات
اجتماعی می بیند ، می خواهد مورد پذیرش قرار
گیرد ، مورد توجه و احترام باشد ، غرور و اقتناع
کرد ، در میان سرها سری برافراخته داشته
باشد ، برای او در جامعه حسابی باز باشد و . . .
حال اگر نمونه و الگوی درستی در سر راه نوجوان
قرار گیرد ، خود را به او وابسته می سازد و از وی الگو
می گیرد و اگر الگوی نادرست در سر راه نوجوان
باشد به همان سوی گرایش خواهد یافت . به

— تحمیل عقیده، اگر چه تحمیل در عمل باشد.
 در اسلام تحمیل عقیده نداریم (لَا إِكْرَاهَ فِی —
 الدِّینِ) ولی تحمیل در عمل می تواند باشد تا
 در سایه آن کراهت در عمل از میان برود (اَكْبَرُهُ
 نَفْسُكَ عَلَى الْفَضَائِلِ). ۱۳.
 — جریحه دار کردن عواطف مثل افشاگریها،
 رسواکردنها، تحقیر و تخطئه، نیشخند زدنها
 — امر ونهی شدید و تذکرات مکرر نیشدار، تا
 زمینه برای ایجاد روح مقاومت در فرد فراهم
 نگردد.

— به خود رها کردن و به خود واگذاری نوجوان
 که در آن صورت قبح ترک وظیفه از میان
 می رود.
 — تنبیه بدنی، آن هم در حضور جمع که شعله
 سرکشی و عصیان را شدیدتر خواهد کرد.

حیات اوست و در غیر این صورت احساس ناامنی
 و اضطراب، خواب راحت را از چشمان او می —
 ستانند.

— خواستاری هدایت عقلانی، زیرا خود او هم به
 این نتیجه می رسد که: لَا يَزَالُ الْعَقْلُ وَالْحُمُوقُ
 يَنْعَالِبَانِ إِلَى ثَمَانِي عَشْرَ سَنَةٍ فَإِذَا بَلَغَهَا غَلَبَ
 عَلَيْهِ أَكْثَرُهُمَا فِیه. ۱۱.
 ...

پرهیزها در این راه

در زمینه توجه دادن نوجوانان به نماز،
 والدین و مربیان را وظیفه است از اقدام به
 مسائل و اموری بپرهیزند که اهم آنها عبارتند
 از:

پاورقیها:

- ۱ — جوان، جلد ۲
- ۲ — تربیت و تغذیه، بنیامین اسپاک، صفحه
 ۴۸۹
- ۳ — سیری در بلوغ، صفحه ۶۶
- ۴ — بحار کمپانی، جلد ۶، صفحه ۳۴۳
- ۵ — بلوغ، موریس دبس، فصل ۵
- ۶ — نظریه های بنیادی درباره نوجوانی
- ۷ — بلوغ، موریس دبس، صفحه ۵۲
- ۸ — روان شناسی کودکی، نوجوانی و جوانی،
 صفحه ۵۲
- ۹ — بلوغ، صفحه ۱۲۲
- ۱۰ — سیری در بلوغ، صفحه ۱۳۲
- ۱۱ — بحار کمپانی، جلد ۱، صفحه ۳۳
- ۱۲ — سوره بقره، آیه ۲۵۶
- ۱۳ — جوان، علی (ع)، جلد ۲.